

نقش مهاجرین در نوع و میزان جرایم ارتكابی شهر تهران

احمد پوراحمد*

محسن کلاتری**

چکیده

مهاجرت و جابجایی مکانی تأثیرات متعدده اجتماعی و اقتصادی بر جامعه مبداء و مقصد می‌گذارد. شهر تهران دارای بالاترین رقم جرم و جنایت در کشور است. همراه با رشد جمعیت، افزایش میزان مهاجرت به شهر تهران و رشد تصاعدی جرایم در این شهر طی سالهای اخیر از گسترش هنجار شکنی و عدم پای‌بندی به قوانین حکایت می‌کند. در این مقاله ارتباط خاستگاه فرهنگی و منشاء مهاجرین با نوع جرم آنها مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین سعی شده است نقش شرایط زندگی و خصوصیات قومی و فرهنگی افراد مهاجر در نوع جرایم ارتكابی آنها در محدوده شهر تهران طی سال ۱۳۸۰ با استفاده از روشهای تحلیل همبستگی و فرصت‌های جرم مورد توجه قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تنوع و تفاوت‌های قومی و فرهنگی در بخش‌های مختلف کشور در شکل دهی الگوهای رفتاری افراد جامعه و از جمله بزهکاران تأثیر دارد و با تغییر خاستگاه فرهنگی مبداء مهاجرت این افراد، گرایش به نوع جرم ارتكابی آنها نیز تغییر می‌کند.

واژگان کلیدی: تهران، جرم، خاستگاه فرهنگی، مجرم، مهاجرت، تفاوت‌های قومی.

مقدمه

مقایسه نسبت زندانیان به جمعیت کشور طی دوره بیست و یک ساله ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۹ مبین رشد قابل ملاحظه ارتکاب جرم و ناهنجاری است. در سال ۱۳۵۸ به ازاء هر صد هزار نفر جمعیت تنها ۴۱ نفر در زندان‌ها به سر می‌بردند و در سال ۱۳۶۵ این تعداد به ۱۳۰ نفر زندانی رسیده است. این روند افزایشی همچنان ادامه داشته و در سال ۱۳۷۵ به ۲۳۲ نفر رسیده است. متأسفانه در سال ۱۳۷۹ این تعداد به ازاء هر صد هزار نفر جمعیت کشور ۲۴۷ نفر بوده است (سازمان زندانها ۱۳۷۹، ص ۷). از طرف دیگر طبق آمارهای رسمی منتشر شده، مجموع پرونده‌های مجرمانه کشور در سال ۱۳۷۸ نسبت به چهار سال قبل آن (۱۳۷۴) بالغ بر ۴۳ درصد رشد نشان می‌دهد. رقم پرونده‌های مجرمانه مختومه در سال ۱۳۷۴ حدود $۱/۷۰۲/۳۷۶$ فقره بوده‌است و این تعداد در سال ۱۳۷۸ به $۲/۴۳۹/۴۶۳$ فقره افزایش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۷۹، ص ۵۳۹ به بعد). این در حالی است که آمار میزان تبه‌کاری که توسط مراجع رسمی ارائه می‌شود بیانگر تعداد واقعی جرایم ارتكابی جامعه نیست. آمار مذکور، بیانگر این نکته مهم و اساسی است که در کشور ما هنجار شکنی و عدم پایبندی به قانون طی دو دهه اخیر به سرعت رو به گسترش بوده‌است.

شهر تهران به علل مختلف دارای بالاترین میزان جرایم شهری در کشور است. از بین زندانیان کشور که در نقاط شهری مرتکب جرم و دستگیر شده‌اند تعداد $۱۱/۷۳$ درصد آنها کسانی هستند که در شهر تهران مرتکب یک عمل مجرمانه شده و سپس دستگیر و روانه زندان شده‌اند (سازمان زندان‌ها ۱۳۷۹، ص ۲۷).

این امر نشان می‌دهد تهران با تفاوتی فاحش نسبت به دیگر شهرها دارای بیشترین میزان جرایم شهری است، البته بعد از تهران شهر مشهد با داشتن $۶/۱۹$ درصد زندانیان کشور در مرتبه دوم قرار دارد*.

بررسی تعداد جرم و جنایت استان تهران طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد، زندانیان این استان طی دوره هشت ساله خرداد ماه ۱۳۷۲ لغایت خرداد ماه ۱۳۸۰ بالغ بر ۶۷ درصد افزایش

*. در مقایسه بین زندانیان کشور به تفکیک استان بیش از یک پنجم ($۲۰/۰۶$ درصد) زندانیان کشور در استان تهران محبوس بوده‌اند (سازمان

یافته است. گر چه این رقم با عنایت به رابطه مثبت رشد جمعیت و بزهکاری می تواند به عنوان تابعی از افزایش کمی جمعیت در این استان تلقی شود، لیکن آنچه بسیار اهمیت دارد نسبت این رشد است که طی این دوره زمانی به شکل تصاعدی افزایش یافته و رشد جرایم چندین برابر رشد جمعیت بوده است.

با توجه به مراتب فوق بدون شک اگر تأثیر شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی مجرم و محیط زندگی افراد در الگوهای رفتاری آنها مورد تعمق قرارگیرد نتیجه کار شکل دیگری به خود خواهد گرفت. لذا با عنایت به لزوم بررسی علمی جرم و جنایت در شهر تهران این پژوهش می‌کوشد ارتباط شرایط اجتماعی-اقتصادی مبداء مهاجرت را در نوع رفتار و فعالیت مجرمانه آنان بشناسد. محدوده زمانی انجام تحقیق بهار ۱۳۸۰ است همزمان با مدت محکومیت مجرمینی است که به دلیل عمل غیر قانونی خود دستگیر و راهی زندان شده‌اند و در هنگام جمع‌آوری اطلاعات و پرسشگری و مصاحبه در یکی از زندان‌های تهران محبوس بوده‌اند. تاریخ دستگیری مجرمین مورد مطالعه نشان می‌دهد سابقه دارترین نمونه مورد پرسش در ماه بهمن ۱۳۶۹ و جدیدترین آنها در تیر ماه سال ۱۳۸۰ دست به ارتکاب جرم زده و دستگیر شده است. بنابراین زمان ارتکاب قدیمی‌ترین و جدیدترین مجرم، محدوده زمانی ۱۱ ساله طی سال‌های ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۸۰ می‌باشد.

طبق آمار منتشر نشده اداره کل سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در پایان اسفند ماه ۱۳۷۹ تعداد مجرمین محبوس در زندان‌های تهران و محل حبس آنها به تنکیک جنس به شرح زیر است:

جدول شماره ۱. زندانیان شهر تهران در پایان اسفند ۱۳۷۹

زندان (اندرزگاه)	مرد	زن	کل
قصر	۸۱۴۷	—	۸۱۴۷
اوین	۳۲۹۶	۶۰۴	۳۹۰۰
کانون اصلاح و تربیت	۲۰۲	۱۶	۲۱۸
کل	۱۱۶۴۵	۶۲۰	۱۲۲۶۵

* مأخذ: اداره پژوهش مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

پیشینه تحقیق و چهار چوب نظری

بررسی‌های متکی به روش علمی و مبتنی بر اصول و روش‌های آمار پیرامون ارتباط محیط جغرافیایی و جرم برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله «کتله» و «گری» صورت گرفته است. «کتله» فیزیکی‌دان و منجم بلژیکی به کمک اعداد و ارقام، همبستگی و ارتباط محیط جغرافیایی و جرم را نشان داد. به اعتقاد وی جرایم ارتكابی در یک جامعه و نوسانات متناوب آن مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان می‌باشد (انسلین ۲۰۰۰، ص ۲۱۶).

پس از آن، تحقیقات کتله مورد توجه بسیاری از دانشمندان کشورهای مختلف قرار گرفت و همین امر موجب بروز جنبش‌های علمی جدید و از جمله ایجاد رشته جدیدی در زمینه آمار جنایی به نام «کتلتیسم»^۱ شد. تحقیقات او باعث شده است تا جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان شناخته شود (کی نیا ۱۳۷۳، ص ۴۶۹). «انریکوفری»^۲ از کسانی است که با الهام از مطالعات و نگرش کتله به بررسی جرم و شرایط محیطی پرداخته است. وی نظریه خود را درباره «قوانین مکانیک اجتماعی» با تکیه بر مطالعات آماری بنیان نهاد. او معتقد بود همانگونه که در حجم معینی از محلول، حلالی با درجه حرارت معین و مقدار مشخص (نه یک اتم کمتر و نه یک اتم بیشتر) حل می‌شود، یک محیط اجتماعی معین نیز میزان مشخصی از جرم را تحمل می‌کند و از این میزان بیشتر یا کمتر نمی‌تواند باشد. وی جرم را نتیجه عوامل پیچیده و قاطع سرشت انسانی و محیط جغرافیایی (اعم از محیط طبیعی و انسانی) می‌داند (کی نیا ۱۳۷۳، ص ۴۷۴).

در زمینه تأثیر عوامل اکولوژیکی و همچنین شرایط اجتماعی در بروز جرم تحقیقات مشابهی توسط دانشمندان دیگری چون «پیناتیل»^۳، «ساترلند»^۴، «استفانی»^۵ و... انجام شده است که تنها به ذکر نام آنها بسنده می‌شود. در این دیدگاه (اکولوژیکی) ارتباط میزان جرم با برخی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی مبین منزلت‌های پایین جامعه سنجیده می‌شود (شکویی

1. Queteltisme

2. E.Ferri

3. Pinatil

4. Sutherland

5. Stefani

(۱۳۶۹، ص ۱۰۲).

در سال ۱۹۵۸ "والتر میلرچ"^۱ در زمینه جرم و جنایت در رابطه با شرایط اجتماعی چنین می‌نویسد: «جوانان قشر پایین جامعه با احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات بیشتر مرتکب جرم می‌شوند، چراکه این طبقه در آرزوی یک زندگی خوب، دستیابی به امکانات بهتر را غیر ممکن می‌دانند و خواه ناخواه به سوی انواع جرم‌ها کشانده می‌شوند. در سال ۱۹۶۴ «دونالد تفت»^۲ در زمینه جنایت به خصیصه‌های اجتماعی بیش از عوامل طبیعی تأکید می‌کند و وقوع جنایات را در جامعه آمریکا ناشی از ارزشهای برتری جویی در جامعه آمریکا، گرایش بیش از حد بر عوامل مادی و برخورد خرده فرهنگ‌ها می‌داند.

نکته حائز اهمیت این که در میزان خشونت‌های شهری، همواره رابطه‌ای میان قشر جامعه و نوع کار وجود داشته است. بدینسان که میزان شرارت‌ها در بین جوانان طبقه کارگر بسیار بیشتر از سایر جوانان می‌باشد. از طرفی اغلب جرایم و خشونت‌ها به وسیله افرادی صورت می‌گیرد که در مشاغل بی ارزش جامعه به خدمت گرفته شده‌اند.

برای اولین بار هریس اصطلاح سفر مجرمانه را در سال ۱۹۸۰ بکار گرفت. اگر چه سابقه این بررسیها به پژوهش وایت^۳ در سال ۱۹۳۲ بر می‌گردد. وی در یافت در سفرهای مجرمانه برای ارتکاب جرایم علیه اموال (سرقت) مسافت دورتری به نسبت سفرهای مجرمانه علیه اشخاص (مثل: قتل و ضرب و جرح) طی می‌شود (وایت ۱۹۳۲، ص ۴۵۰). تورنر^۴ در بررسی دیگر به این نتیجه رسید که سفرهای مجرمانه با فاصله گرفتن از محل سکونت مجرمین کاهش می‌یابد (لوتر ۱۹۳۸، ص ۳۱). ویلسون^۵ و کلینگ^۶ در سال ۱۹۸۲ با ارائه نظریه پنجره‌های شکسته معتقدند که عدم مراقبت عمومی و بهم ریختگی محیطی و وجود رفتارهای بی ادبانه در این مکانها موجب افزایش جرم می‌شود (پرکینس ۱۹۹۳، صص ۲۹ - ۴۹).

عزت الله مافی در بررسی تطبیقی پاتولوژی شهرهای وین و مشهد معتقد است که افراد غیر بومی در مقایسه با تعداد جمعیت، بیشتر از افراد بومی شهر مرتکب جرم و جنایت می‌شوند (مافی ۱۳۷۸ ص ۱۳۴). بنابراین می‌توان اظهار داشت که این مطالعات تلاش برای بررسی نقش و تأثیر محیط جغرافیایی و اجتماعی در نوع و میزان جرایم می‌باشد که در این پژوهش مد نظر

1. Walter Miller

2. Donald Taft

3. White

4. Turner

5. Willson

6. Kelling

قرار گرفته است.

فرضیه و روش تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق عبارتست از اینکه افراد غیر بومی و مهاجرین به شهر تهران با توجه به ویژگیهای جغرافیایی و اقتصادی اجتماعی خود بیشتر از دیگران مرتکب جرم شده‌اند و خاستگاه فرهنگی مبداء مهاجرت آنان در نوع جرایم ارتكابی مؤثر است. در بررسی فوق از روشهای تحلیل همبستگی بهره گرفته شده است. در شیوه تحلیل همبستگی برخی مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی با استفاده از داده‌های جمع آوری شده از طریق پرسشنامه و مصاحبه با مجرمین پس از اخذ مجوزهای ورود به زندان در ارتباط با نوع و میزان جرم در شهر تهران مورد توجه قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مجرمینی تشکیل دادند که در زمان پژوهش در یکی از زندانهای تهران (اوین، قصر و کانون اصلاح و تربیت و بعضاً زندان رجایی شهر) در حال تحمل کیفر و یا منتظر صدور حکم خود بودند. ضمناً نوع جرم مجرمین تهران در شش طبقه اصلی طبقه بندی گردید:

- مجرمینی که مرتکب یکی از جرایم قاچاق مواد مخدر از جمله خرید و فروش، حمل و یا نگهداری مواد مخدر شده‌اند.

- مجرمینی که مرتکب جرم علیه اموال و مالکیت شده‌اند از جمله اقدام به کلاهبرداری، صدور چک بلامحل، اختلاس، ارتشاء، اخاذی (زورگیری)، رباخواری، جعل سند، خیانت در امانت و ترک نفقه نموده‌اند.

- سارقین و کسانی که اقدام به سرقت از منازل سطح شهر، اتومبیل، لوازم اتومبیل، موتورسیکلت و لوازم آن و سرقت از مغازه‌های شهر تهران، جیب بری و کف زنی نموده‌اند.

- جرایم علیه اشخاص - افرادی که در سطح شهر تهران مرتکب جرایمی چون قتل، ایراد ضرب و جرح، فحاشی و مزاحمت شده‌اند.

- جرایم منافی عفت - که اعمال منافی عفت و منکراتی چون زنا، لواط، فروش نوار و عکس و لوح‌های فشرده مبتذل و... را شامل می‌شود.

- سایر جرایم - افرادی که مرتکب برخی جرایم چون اقدام علیه امنیت ملی، جاسوسی، جرایم سیاسی، مطبوعاتی و... شده‌اند در این طبقه جای می‌گیرند که متأسفانه امکان جمع‌آوری اطلاعات، ملاقات و مصاحبه با آنها فراهم نشد و به ناچار از جامعه آماری حذف

گردیدند. برای قابل اجرا نمودن پژوهش روش نمونه گیری طبقه‌ای تصادفی^۱ برگزیده شد (منصورفر ۱۳۷۴، ص ۲۲۰). در مرحله عمل با توجه به تنوع زیاد گونه‌های جرم و با در نظر گرفتن سنخیت عناصر متشکله آن (عنصر مادی، معنوی و قانونی) جرایم به بیست و سه نوع تقسیم و در پنج لایه^۲ (طبقه) گنجانده شد و واریانس و انحراف معیار هر طبقه براساس فراوانی گروه‌های بیست و سه گانه بدست آمد. پیش از نمونه گیری، به منظور برآورد واریانس جامعه آماری و از طریق مقایسه یافته‌های دو تخمین، امکان دستیابی به واریانس تخمینی در هر طبقه فراهم شد، خطای برآورد شده نیز معادل $۰/۰۳۰۵$ محاسبه شد که در فرمول اعمال گردید (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. چگونگی توزیع مجرمان شهر تهران به تفکیک تعداد و واریانس درون گروهی آنها

تعداد نمونه n	$N_h S_h$	انحراف معیار هر لایه S_h	فراوانی هر لایه N_h	گروه‌های جرم
۳۵۷	۱۶۳۲۳۶	۳۶/۶	۴۴۶۰	فاچاق مواد مخدر
۱۳۴	۴۲۶۴۶۶	۲۵۴	۱۶۷۹	سرق
۴۲۸	۴۲۴۷۳۹۷	۷۹۴/۵	۵۳۴۶	علیه اموال و مالکیت
۵۴	۹۲۸۶۲	۱۳۸/۶	۶۷۰	علیه اشخاص
۲۷	۵۲۷۷۴/۲	۱۵۶/۶	۳۳۷	منافی عفت
-	-	-	۹۴۱۲	سایر جرایم
۱۰۰۲	$\sum = ۴۹۸۲۷۳۵/۲$	-	$\sum = ۱۲۴۹۳$	-

خطای برآورد شده $d = ۰/۰۳۰۵$

تعداد فراوانی هر لایه N_h

$$V_t = ۵۱۶۰۷۳$$

واریانس بهینه V_0

$$V_0 = (۰/۰۳۰۵) \times (۵۱۶۰۷۰۳) = ۱۵۷۴۰۱/۴۵$$

یافته‌های تحقیق

۱. نوع و میزان جرایم: فراوانی هر یک از پنج گروه اصلی جرم نشان می‌دهد، قاچاق مواد مخدر بیشترین میزان را در بین دیگر جرایم داراست. بعبارت دیگر در بین مجرمین حدود ۴۰ درصد آنها کسانی هستند که اقدام به خرید و فروش، حمل یا نگهداری مواد مخدر نموده‌اند. در مرتبه دوم جرایم علیه اموال و مالکیت بویژه اقدام به صدور چک بلامحل، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء قرار گرفته است؛ بطوری که بالغ بر ۳۷ درصد از مجرمین را این افراد تشکیل می‌دهند. حدود ۱۵ درصد جامعه مورد مطالعه سارقین هستند که اقدام به سرقت از منازل، مغازه‌ها و اتومبیل، لوازم اتومبیل و کف زنی و جیب بری نموده‌اند.

کسانی که تمامیت جسمانی افراد را مورد صدمه قرار داده و اقدام به قتل یا ضرب و جرح دیگران نموده‌اند ۶/۳ درصد جامعه نمونه این پژوهش را تشکیل می‌دهند و در نهایت حدود ۲/۶ درصد از مجرمین به دلیل برقراری ارتباط نامشروع با جنس مخالف، زنا یا لواط و یا خرید و فروش نوار مبتدل دستگیر و در زندان به بند کشیده شده‌اند.

۲. ساختار جنسی مجرمین: از کل ۱۰۰۲ نفر نمونه مورد بررسی تعداد ۹۴۹ نفر آنها مرد و ۵۳ نفر بقیه زن هستند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود قسمت اعظم جرایم یعنی حدود ۹۵ درصد آن توسط مردان صورت می‌گیرد و تنها ۵ درصد مجرمین جامعه مورد پژوهش را زنان تشکیل می‌دهند.

۳. ساختار سنی مجرمین: کمترین گروه سنی بین ۱۵ تا ۲۰ سال دارند و میزان جرایم در سنین بالای ۲۰ سال و به خصوص در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ ساله به بیشترین حد خود رسیده است بطوری که تقریباً ۱۸/۵ درصد مجرمین در این گروه سنی قرار دارند. ساختار سنی مجرمین مورد بررسی نیز نشان می‌دهد ارتکاب جرم در سنین نوجوانی بیشتر از گروه‌های سنی دیگر است. بطوری که تقریباً ۶۰ درصد جرایم را جوانان و نوجوانان شهر تهران مرتکب شده‌اند از طرفی تنها ۳ درصد مابقی جرایم توسط مجرمین بالای ۶۰ سال اتفاق افتاده است. بنظر می‌رسد تعداد زیاد جرایم در سنین جوانی و میانسالی در این بررسی مطابق با مطالعات جهانی در خصوص ارتباط سنین جوانی و نوجوانی با انواع ناهنجاریهاست. این امر می‌تواند از عوامل

زیر نشأت گرفته باشد.

الف) افزایش نیروی جسمی و در کنار آن شور و احساس جوانی، حس برتری جویی و شهرت خواهی و بسیاری تمایلات نفسانی موجب می شود تا جوانان بیشتر در معرض ناهنجاریهای اجتماعی قرار گیرند.

ب) قرار گرفتن در سنین فعالیت و پذیرفتن نقش های اجتماعی.

۴. دین و مذهب: اکثریت قطعی مجرمین در این بررسی مسلمان بوده و تنها حدود یک درصد مسیحی یا زرتشتی هستند. در بین مسلمانان حدود ۹۵ درصد شیعه و ۵ درصد اهل تسنن بوده اند.

نکته قابل تعمق تفاوت نوع مذهب مجرمین در هر یک از گروههای جرم می باشد. تقریباً تمامی مجرمینی که مرتکب جرایم علیه اموال و مالکیت از جمله کلاهبرداری و صدور چک بلامحل و ... و یا جرایم منافی عفت شده اند شیعه هستند ولی در گروههای جرم قاچاق مواد مخدر، سرقت و جرایم علیه اشخاص بین پنج تا ۱۰ درصد مجرمین اهل تسنن می باشند. بنظر می رسد این تفاوت از آنجا ناشی شده است که تعداد قابل توجهی از مجرمین علیه اموال و منافی عفت بومی تهران و شیعه ولی مجرمین قاچاق مواد مخدر و یا سرقت کسانی هستند که از شهرهای دیگر کشور بویژه از استانهای شرقی (خراسان، سیستان بلوچستان) و یا غرب کشور (کردستان) و با درصد قابل توجه اهل تسنن به تهران مهاجرت نموده اند و سپس بدلیل ارتکاب جرم در این شهر دستگیر و روانه زندان شده اند.

۵. قومیت: بیش از نیمی از جامعه آماری (مجرمین مورد مطالعه) یعنی ۵۶٪ فارس هستند. حدود یک چهارم پاسخگویان از اقوامی چون لر، لک، گُرد، بلوچ، گیلگ، ترکمن و ... بوده و حدود ۲ درصد نیز افغانی هستند. نکته قابل تعمق تعداد نسبتاً زیاد افراد ترک زبان در بین جامعه مجرمین مورد مطالعه است. بدلیل فقدان آمار و اطلاعاتی که ساختار قومی شهر تهران را مشخص نماید امکان مقایسه نسبت این افراد به کل شهروندان تهرانی میسر نیست لیکن به نظر می رسد این رقم متأثر از مهاجرت اقوام آذری طی سه دهه اخیر استانهای مختلف کشور بویژه در استان آذربایجان شرقی و غربی به شهر تهران باشد که موجب شده است رقم بالایی از شهروندان فعلی تهران آذری باشند و به تبع آن تعداد قابل توجهی از مجرمین در این گروه جای گیرند. مقایسه نوع قومیت پاسخگویان در گروههای مختلف جرم نشان می دهد فارس و ترک و لر

اولویت اول تا سوم در تمامی این گروه‌ها (به جز گروه منافعی عفت) بوده است. لیکن در گروه قاچاق مواد مخدر کرد، بلوچ و افغانی که گرایش بیشتری به ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر (تولید، حمل، خرید و فروش) دارند. جالب این است که ارتکاب انواع دیگر جرایم مورد بررسی توسط بلوچ‌ها بسیار اندک است و یا وجود ندارد.

۶. نوع اقامت: اطلاعات مربوط به محل تولد جامعه‌ی مجرمین مورد مطالعه نشان می‌دهد که اکثریت آنها (بیش از ۵۷٪) خارج از شهر تهران به دنیا آمده‌اند و سپس به تنهایی یا به اتفاق خانواده به تهران مهاجرت نموده و این شهر را بعنوان محل اقامت خود برگزیده‌اند. نتایج مصاحبه در خصوص مدت اقامت مهاجران فوق نشان می‌دهد تعداد زیادی به تازگی تهران را بعنوان محل زندگی برگزیده‌اند یا اینکه قصد سکونت دائم در تهران، نداشته و صرفاً برای اشتغال به کار، کسب در آمد و یا تحصیل ... در تهران زندگی می‌کنند و لذا اقامتشان در این شهر دائمی نیست و بیشتر این افراد در سازگاری با محل زندگی جدید و اشتغال با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند. همین امر آنها را در معرض کجرویهای اجتماعی قرار داده است. در بین مجرمین مورد بررسی در این پژوهش و با در نظر گرفتن گروه‌های اصلی جرم ملاحظه می‌گردد بین ۱۰ تا ۳۵ درصد مجرمین در شهر تهران بطور موقت ساکن بوده‌اند (مدت اقامت کمتر از ۶ ماه بوده است). این عدم ثبات زندگی بیش از همه بین افرادی که در زمینه قاچاق مواد مخدر، جرایم علیه اشخاص (قتل، ضرب و جرح ...) فعالیت نموده‌اند به چشم می‌خورد بطوری که حدود ۴۵-۳۵ درصد این افراد بطور موقت در تهران ساکن شده‌اند. به عکس بیشتر ثبات در بین مجرمین منکراتی، جرایم مالی و سرقت دیده می‌شود. این امر نشان می‌دهد جرم قاچاق و قتل و ضرب و جرح بیشتر توسط افرادی صورت می‌گیرد که به تازگی به تهران آمده‌اند در حالیکه جرایم منکراتی، جرایم مالی و سرقت را بیشتر کسانی مرتکب می‌شوند که تقریباً محل سکونتشان در تهران دائمی است.

۷. مدت اقامت: اطلاعات دریافتی در خصوص مدت اقامت مجرمین در تهران قبل از ارتکاب جرم و دستگیری آنها نشان داد بین ۱۰ تا ۳۵ درصد آنها کمتر از شش ماه است برای زندگی به تهران آمده‌اند. این نسبت در مورد جرایم مالی و منافعی عفت و سرقت حدود ۱۰ درصد و در مورد قاچاق مواد مخدر به ۳۵ درصد می‌رسد. بین ۵ تا ۲۵ درصد افراد مورد بررسی حدود یکسال در تهران سکونت داشته‌اند و سپس به دلیل ارتکاب جرم دستگیر شده‌اند این

میزان در جرایم علیه اموال حدود ۵ درصد و در جرایم علیه اشخاص بیش از ۲۵ درصد می‌باشد. در مجموع می‌توان دریافت مدت اقامت و زندگی بیش از نصف مجرمین در تهران کمتر از ۵ سال است که نشان می‌دهد با افزایش مدت اقامت افراد در تهران از میزان ارتکاب جرم آنها کاسته شده‌است.

۸. سواد: حدود یک پنجم پاسخگویان بیسواد یا سوادى در حدود خواندن و نوشتن داشته‌اند و نیمی از این افراد نیز دارای مدرک ابتدایی یا سیکل یا در مقطع دبیرستان و ۳۰ درصد مجرمین نیز دارای مدرک دیپلم، فوق دیپلم و یا بالاتر بوده‌اند. میزان سواد در گروه‌های پنجگانه جرم مورد بررسی تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد بطوری که بیشترین افراد بیسواد و یا کم سواد مرتکبین قاچاق مواد مخدر را تشکیل می‌دهند (حدود ۳۰ درصد). در مرتبه بعدی سارقین قرار دارند که حدود ۱۵ درصد آنها بیسواد یا کم سواد هستند، از طرفی بالاترین سطح تحصیلات و کمترین میزان بیسوادى را گروه جرایم منافی عفت تشکیل می‌دهند (با ۵ درصد بیسواد). افرادی که مرتکب کلاهبرداری و یا صدور چک بلامحل شده‌اند، از نظر سواد وضعیت بهتری نسبت به دیگر مجرمین دارند.

۹. اشتغال: بیش از ۱۳ درصد پاسخگویان تنها از طریق اعمال غیر قانونی خود کسب درآمد نموده‌اند و بسیاری از آنها مهمترین انگیزه مجرمانه خود را تأمین درآمد اعلام داشته‌اند. تعدادی از پاسخگویان کسب درآمد خود را از طرقی غیر از شغل و یا عمل مجرمانه اظهار نموده‌اند. این افراد که حدود ۷۰ درصد جامعه مورد بررسی را تشکیل می‌دهند زنان یا مجرمین جوان یا نوجوانی هستند که مخارج زندگیشان بعهده همسر و والدینشان بوده‌است. در پاسخ به این سؤال که آیا در آمد آنها جوابگوی مخارج زندگیشان بوده‌است یا خیر، تنها ۳۶ درصد مجرمین در آمدشان را برای تأمین مخارج زندگی خود و خانواده‌شان کافی دانسته‌اند و ۶۴ درصد بقیه اظهار داشتند که درآمدشان کفاف مخارج زندگی آنها را نمی‌دهد و یا اینکه به زحمت از عهده مخارج سنگین زندگی برآمده‌اند. در این میان کسانی که به جرم اعمال منافی عفت (روابط نامشروع) و یا سرقت دستگیر شده‌اند نسبت به بقیه وضعیت زندگی بهتری داشته‌اند بطوری که تقریباً نیمی از این افراد درآمدشان کفاف زندگی آنها را می‌داده است و در گروه قاچاق مواد مخدر مجرمین نسبت به بقیه از وضعیت نامساعدتری برخوردارند، حدود ۷۵ درصد این عده مخارج زندگیشان بیش از درآمدشان بوده‌است و در تأمین هزینه‌های زندگی با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند.

۱۰. سابقه کیفری و اعتیاد: تعداد ۲۴۶ نفر از کل جامعه نمونه (۲۵ درصد) دارای حداقل یک یا چند بار سابقه کیفری بوده و ۷۵ درصد بقیه برای اولین بار مرتکب جرم و محکوم شده‌اند. گرچه اکثریت پاسخگویان برای اولین بار دستگیر و حبس در زندان را تجربه نموده‌اند ولی تقریباً تمامی افراد با سابقه محیط زندان را عاملی ترغیب کننده (مثبت) در تکرار جرم ذکر نموده‌اند. هر چند بنظر می‌رسد پاسخگویان در پاسخ صحیح در مورد سابقه اعتیاد خود یا خانواده‌اشان راه به حقیقت نرفته و ملاحظاتی را در نظر گرفته‌اند. با این وجود ۴۹ درصد سیگار و ۸ درصد مشروبات الکلی مصرف می‌کردند. همچنین حدود یک پنجم مجرمین (۱۹/۳ درصد) به تریاک، ۶ درصد به حشیش، ۷/۲ درصد به هروئین اعتیاد داشتند.

۱۱. ارتکاب جرم به وسیله افراد غیر بومی (مهاجر): بررسی نسبت مجرمین غیر بومی نشان می‌دهد که الف) اکثریت نسبی (بیش از ۵۷ درصد) جامعه مورد بررسی کسانی هستند که خارج از تهران (یا کشور) متولد شده‌اند سپس به تنهایی یا به اتفاق خانواده به این شهر مهاجرت کرده‌اند و این شهر را برای محل زندگی موقت یا دائمی برگزیده‌اند.

ب) در بین افراد فوق (مهاجرین) یعنی ۱۰ تا ۳۵ درصد این افراد، تهران را تنها برای مدتی محدود و به عبارتی به عنوان محل سکونت موقت (غیر دائم) خود انتخاب کرده‌اند. این عده برای جستجوی کار بهتر، کسب درآمد بیشتر، تحصیل، دیدن اقوام، تفریح (و برخی برای ارتکاب جرم) به تهران پای گذاشته‌اند، لیکن در این مدت محدود اقامت به سبب عملی مجرمانه دستگیر و راهی زندان شده‌اند.

ج) تحلیل تفصیلی مدت اقامت تازه واردین حائز این نکته مهم است که در بین گروه‌های مختلف جرم، ۱۰ تا ۳۵ درصد کمتر از ۶ ماه است که به این شهر آمده‌اند.

علاوه بر این از مدت اقامت نصف پاسخگویان در تهران بیش از پنج سال نمی‌گذرد. طبق پاسخ‌های ارائه شده این افراد عمدتاً در شهر تهران با مشکلات متعددی چون بیکاری، عدم امکان سازگاری با محیط شهری، سختی کار، مشکل مسکن و دیگر مشکلات عاطفی و ... روبرو بوده‌اند.

د) بیش از ۱۳ درصد مجرمین کسانی هستند که در تهران هیچ محل سکونتی نداشتند. این افراد به هیچ وجه قصد زندگی (موقت یا دائم) در این شهر را نداشتند. این افراد در مدت اقامت کوتاهشان که بین چند ساعت تا چند روز متغیر است در منزل اقوام، دوستان، یا اماکن عمومی یا

(هتل، مسافرخانه و ...) اقامت داشتند. البته تعدادی نیز در تهران هیچ جایی نداشتند و "خیابان خواب" بودند. در بین این افراد تعداد قابل توجهی انگیزه سفر خود را به تهران ارتکاب عمل مجرمانه (کسانیکه در زمینه حمل، خرید و فروش مواد مخدر فعالیت می‌کردند) در مبادی ورودی شهر یا ترمینال و راه آهن ذکر نمودند که در حین ارتکاب جرم دستگیر شده‌اند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که افراد غیر بومی و مهاجرین شهر تهران بیشتر در معرض ارتکاب جرم قرار دارند و غیر بومی بودن به عنوان یک عامل مهم در افزایش جرایم در مکان مقصد مهاجرین مؤثر است.

- حدود ۱۵ درصد هیچ محل سکونتی در تهران نداشتند و عمدتاً شب‌ها را در کنار دوستان، اقوام یا در محل کار خود به سر می‌بردند. ۴۴ درصد افراد نیز مستأجرند. در یک جمع بندی کلی و با در نظر گرفتن کلیه موارد فوق ملاحظه می‌گردد تا حدود زیادی مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی مجرمین و فضای زندگی آنها از استانداردهای موجود پایین تر است و شرایط نامطلوب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر زندگی اکثریت این افراد حکمفرماست و به نظر می‌رسد مجموع عوامل نامساعد فوق در سوق دادن مجرمین مورد مطالعه به سوی رفتارهای ضد اجتماعی در ارتکاب جرم تأثیر مثبتی داشته است.

۱۲. خاستگاه فرهنگی مهاجرین و بزهکاری آنها: در کشور پهناور ما با توجه به تنوع شرایط محیط طبیعی، قومیت، مشخصه‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و الگوهای رفتاری یکسان نیست. از آنجا که تعداد زیادی از مجرمین مورد بررسی افراد غیر بومی و مهاجرین به تهران هستند (حدود ۵۷ درصد) برای تشخیص خاستگاه فرهنگی محل مهاجرت و تأثیر آن در نوع جرایم ارتکابی، در فرضیه حاضر هر یک از انواع جرایم ارتکابی بوسیله افراد مهاجر و غیر بومی تهران مورد سنجش قرار گرفت. با توجه به تعداد زیاد نقاط شهری و روستایی مبدا مهاجرت مجرمین و برای اینکه امکان مطالعه و نتیجه‌گیری از بحث حاضر فراهم شود، این نقاط براساس شهرستان‌های استان تهران و استان‌های کشور (و خارج از کشور) از هم تفکیک گردید. بخشی از مهاجرین از شهرها و روستاهای تقریباً نزدیک به تهران مهاجرت نموده‌اند. مجرمینی که بیشتر آنها از شهرستان‌های کرج، شهریار، اسلامشهر، ورامین و دماوند هستند بیشتر گرایش به ارتکاب اعمال غیر قانونی چون صدور چک بلامحل، کلاهبرداری و قاچاق مواد مخدر داشته‌اند. در سطح کشور، تعداد مهاجرین استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، همدان، سیستان و بلوچستان، مازندران، لرستان، خوزستان، کرمانشاه و مرکزی بیشتر

از بقیه بوده‌است. برخی از مجرمین نیز تابعیت کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق را داشته‌اند.

نکته حائز اهمیت نوع جرایم ارتكابی در مجرمینی که از نیمه شرقی کشور یعنی از استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، یزد و اصفهان (بویژه از شهرهای مشهد، زابل، زاهدان، کهنوج، سیرجان، بم، رفسنجان) به تهران مهاجرت کرده‌اند، فعالیت در زمینه قاچاق مواد مخدر بیشتر دیده می‌شود. بطوری که مهمترین عمل غیر قانونی این افراد و علت دستگیری آن‌ها خرید و فروش، حمل و نگهداری مواد مخدر بوده‌است. در بین افراد برخی دارای تابعیت دو کشور پاکستان و افغانستان هستند. قابل توجه اینکه انواع دیگر جرایم مورد بررسی از جمله قتل، ضرب و جرح و جرایم مالی و همچنین اعمال منافی عفت (منكراتی) در بین مجرمین فوق بسیار کم دیده می‌شود و یا اصلاً وجود ندارد. به نظر می‌رسد مجاورت در استان‌های شرقی (خراسان و سیستان و بلوچستان)، دو کشور پاکستان و افغانستان بعنوان مراکز جهانی تهیه و تولید و توزیع مواد مخدر و قرار گرفتن برخی استان‌های جنوبی و مرکزی (هرمزگان، یزد، کرمان) در کنار این استان‌ها عامل گسترش و فراوانی مواد مخدر در این نقاط از کشور می‌باشد. سهولت دسترسی و آشنایی اکثر افراد با مواد مخدر، فقدان پایگاه ارزشی قدرتمند برای تقبیح قاچاق مواد مخدر، مشکلات اقتصادی و استوار بودن معیشت بسیاری از افراد بر امر قاچاق (کالا و مواد مخدر) شاید مهمترین دلایلی است که مهاجرین این استان‌ها را به انجام مجرمانه فوق سوق داده‌است. جالب اینکه بسیاری از افراد مورد بررسی کسانی هستند که به طمع سود و منفعت بیشتر خطر قاچاق مواد مخدر به تهران را پذیرفته و بعنوان مسافر عازم تهران شده‌اند و در همان بدو ورود (یا روزهای اولیه اقامت در تهران) دستگیر شده‌اند. حدود ۱۳ درصد مجرمین کسانی هستند که بعنوان مسافر بدون آنکه در تهران محل اقامت، شغل یا حرفه‌ای داشته باشند در حین ارتكاب جرم قاچاق مواد مخدر دستگیر شده‌اند.

برخلاف مهاجرین از شرق کشور به تهران که گرایش کمی به ارتكاب جرایم مالی (صدور چک بلامحل، کلاهبرداری) و جرایم علیه اشخاص (قتل و ضرب و جرح و...) و اعمال منافی عفت (زنا و لواط) داشته‌اند، در بین مهاجرین از استان‌های لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری قتل، ضرب و جرح و شرارت بیشتر دیده می‌شود و بنظر می‌رسد درگیری فیزیکی، تکیه بر توان بدنی در حل مسایل و مشکلات فردی و اجتماعی منجر به وقوع جرایم فوق بوسیله این افراد شده باشد.

در بین افرادی که از بخش‌های غربی و شمال غربی کشور و از جمله استان‌های آذربایجان

شرقی، غربی، اردبیل، زنجان و مرکزی به تهران آمده‌اند جرایم مالی از جمله کلاهبرداری، صدور چک بلامحل، اختلاس و ارتشاء و... بیشتر از سرقت، قاچاق مواد مخدر، قتل، ضرب و جرح و... دیده می‌شود. کسانی که از استان‌های گیلان، مازندران، گلستان، همدان و ایلام به تهران مهاجرت نموده‌اند تقریباً گرایش به ارتکاب تمامی جرایم مورد بررسی را داشته‌اند در بین این افراد انواع جرایم مالی، قاچاق مواد مخدر، جرایم علیه اشخاص، اعمال منافی عفت و سرقت دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه در بررسی حاضر اهمیت دارد تفاوت‌های فرهنگی در بخش‌های مختلف کشور و تأثیر آن در شکل‌دهی الگوهای رفتاری افراد جامعه و از جمله بزه‌کاران است. همان‌گونه که مشخص شد با تغییر خاستگاه فرهنگی مبداء مهاجرت این افراد، گرایش به نوع جرم ارتكابی آن‌ها نیز تغییر کرده‌است. مهاجرت و جابجایی مکانی تأثیرات متعدد اجتماعی و اقتصادی بر جامعه مبداء و مقصد مهاجرت می‌گذارد. دگرگونی ساختار سنی، جنسی، کاهش یا افزایش کارآیی اقتصادی، تغییر در سطح تولید و نرخ نیروی کار از جمله این تغییرات محسوب می‌شوند. از طرفی کسانی که به دنبال شرایط زندگی بهتر و مناسب‌تر مهاجرت می‌کنند با مشکلات متعددی چون عدم آشنایی با محیط جدید، انتخاب مسکن، اشتغال، کسب درآمد و برقراری ارتباط با دیگران مواجهند. مهم‌تر این که تفاوت‌های فرهنگی، سبک زندگی و ارزش‌های حاکم بر دو جامعه مبداء و مقصد مهاجرت، موجب می‌شود در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار گیرند و سهل‌تر به دام افراد کجرو و اجتماع گرفتار شوند.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد نوع و میزان جرایم ارتكابی به وسیله مهاجرین یکسان نیست. تنوع شرایط محیط طبیعی، قومیت و مشخصه‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور ما موجب شده‌است تا باورها، هنجارها، پایگاه ارزشی و مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی (فرهنگ) ساکنین بخش‌های مختلف کشور یکسان نباشند. اکثریت این افراد در طول زندگی و در زمان ارتكاب جرم و دستگیری، در محیط زندگی خود شرایط نامناسبی را پشت سر گذارده‌اند. مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی این افراد از حداقل استانداردهای موجود پایین‌تر است و به طور عموم برای اشتغال، تهیه مسکن، کسب درآمد و برای گذران زندگی خود و خانواده با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند. شاید بتوان چنین اظهار

نمود که مجموعه عوامل و شرایط نامساعد فوق به عنوان عاملی مثبت و مهم در جهت سوق دادن این افراد به سوی ناهنجاری مؤثر بوده‌است. این افراد چنانچه با امکانات مناسب‌تر و بهتر زندگی می‌کردند به احتمال زیاد در برابر آسیب‌های اجتماعی از مصونیت بیشتری برخوردار بودند و احتمال کجروی آنها کمتر بود. هر چند که علاوه بر ایجاد امکانات و شرایط مناسب زندگی، اتخاذ تدابیر ویژه مراقبت و نظارت بر اماکن عمومی (مسافرخانه‌ها، هتل‌ها و ...) که پذیرای تازه واردین می‌باشند و همچنین مبادی ورودی و خروجی شهر از جمله پایانه‌های مسافری می‌تواند در کاهش نسبی این گونه جرایم مفید باشد.

مآخذ

- شکویی، حسین (۱۳۶۹)، *جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)*، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- طالقانی، محمود (۱۳۷۰)، *مطالعات جامعه شناسی شهر تهران*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کی نیا، مهدی (۱۳۷۹)، *مبانی جرم شناسی*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- مافی، عزت الله (۱۳۷۸)، «جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین، مشهد)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال چهاردهم شماره پیاپی ۵۲ و ۵۳- انتشارات آستان قدس رضوی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، *سالنامه آماری کشور*، تهران.
- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی (۱۳۷۹)، *نشریه دفتر آمار و خدمات رایانه‌ای*، (چاپ نشده).
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰)، *بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران*، رساله دکتری دانشگاه تهران، گروه جغرافیا.
- Anselin, Luc (2000) "Spatial Analysis of Crime", National Institute of Justice (NIJ). From the World Wide Web: <http://www.nij.com>.
- Lottier, S. (1938) "Distribution of Criminal Offence in Metropolitan Regions", *Journal of Criminal Law, Criminology, and Police Science*, 29.
- Perkins, D.D., A. Abraham, R. Richard, and B. Taylor (1993) "The Physical Environment of Street Crime", *Journal of Environmental Psychology*, Vol.13, NO.
- White, R.C. (1932) "The Relation of Felonies to Environmental Factors in Indianapolis", *Social Forces*, 15 (4).